

دارد چون بازار آب مانند سایر بازارهای کالا و خدمات دو طرف عرضه و تقاضا دارد اما متأسفانه هم طرف تقاضا و هم طرف عرضه آن چندان شفاف نیست. وی افزود: یکی از دلایل این عدم شفافیت، «قانون آب» در ایران است. آب جزو انفال است، اما در حال حاضر کسانی که مجوز بهره برداری دریافت می کنند به عنوان مالک آب به حساب می آیند و این انتقال مالکیتی که انجام گرفته خودش یک مساله است و زمانی که بخواهد بازار آب هم تشکیل شود، تعداد زیادی خرده مالک وجود دارد که هر کدام مزرعه و یا معیشتی برای خود دارند و مانع و مسئله مهمی در برابر این موضوع هستند.

وی در مورد اینکه چگونه می توانیم قیمت حقیقی آب را حساب کنیم، گفت: این موضوع بحث پیچیده ای است و روش های مختلفی هم وجود دارد که یک روش، ارزش باقی مانده است و با این نگاه، ارزش آب، ارزش باقی مانده محصولات تولیدی از هزینه سایر عوامل تولیدی است که قیمت بازاری دارند. وی ادامه داد: روش دیگر که اقتصاددانان تقریباً روی آن اجماع نظر دارند، استفاده از تابع تولید می باشد. در این روش پس از تخمین تابع تولید و محاسبه تولید نهایی آب، می توان ارزش تولید نهایی آب در محصولات مختلف محاسبه نمود. البته این روش معایبی نیز دارد.

وی اضافه کرد: در طرح تحقیقاتی که برای تخصیص بهینه منابع بخش کشاورزی در استان انجام دادم بیشتر از روش تولید نهایی برای ۱۹ محصول زراعی و ۵ محصول باغی استفاده شده که در این تحقیق قیمتی که برای آب در محصولات مختلف دست آوردیم فرق می کند و اشکال این روش این است که ارزش نهایی تولید آب در محصولات مختلف متفاوت می شود. مثلاً ممکن است ارزش نهایی تولید آب در پسته دو هزار تومان و در خرما هزار و ۵۰۰ تومان، یا در منطقه ای مانند ارومیه این رقم برای هندوانه ۸۰۰ تومان و برای ذرت هزار و ۵۰۰ تومان باشد، ارزش تولید نهایی این اشکال را دارد که برای محصولات مختلف قیمت های مختلفی را به دست می آورید در حالی که آب در حقیقت یک قیمت بیشتر نمی تواند داشته باشد. وی افزود: آن چه هست از این روش می توان برای تخصیص مجدد آب در الگوی کشت و کارهای دیگر استفاده کرد اما اینکه به چه سمت و سویی حرکت کند، خیلی بحث انگیز است.

دکتر مهربانی گفت: روش های دیگری هم مانند روش های برنامه ریزی ریاضی وجود دارد و یا روشی که در آن ارزش آب در هر منطقه را معادل هزینه های انتقال و شیرین کردن آب در آن منطقه محاسبه می کنند. وی خاطر نشان کرد: همه روش هایی که در این رابطه وجود دارد، محاسن و معایبی دارند. وی تصریح کرد: از نظر من، مهمترین مساله، مساله قانون آب است که اگر آن را در کشورهای دیگر بررسی کنید در خواهید یافت که به بهره برداران، آب اجاره می دهند و یا می فروشند و شرایط مشابه ایران را کمتر بتوان یافت. دکتر مهربانی افزود: از آنجا که حدود ۷ میلیون بهره بردار خرده معیشتی داریم که زندگی آنها وابسته به کشاورزی است اگر بخواهد تغییراتی هم در قانون آب ایجاد شود حتماً پیامدهای اجتماعی، اشتغال، معیشت، فقر و مسائل دیگر ایجاد خواهد کرد و باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

وی تصریح کرد: در بخش وسیعی از کشاورزی ایران و کرمان، اتلاف آب بالاست اما با این وجود نمی شود آب را از کشاورزان و خرده مالکان بخش کشاورزی گرفت چون زندگیشان به آب بستگی دارد و پیامدهایی چون مهاجرت و حاشیه نشینی در شهرها دارد.

این استاد دانشگاه گفت: موضوع آب، پیچیدگی های خاصی در بر دارد و دست سیاستگذاران برای هر تصمیمی در ارتباط با آن باز نیست.

وی ادامه داد: در استان کرمان دو دهه است که مساله بحران آب برای همه محرز شده اما از آن سوی ماجرا، کشاورزان هم راهی پیش روی خود نمی بینند مخصوصاً در استان کرمان که استان باغی است و محصولات باغی به ویژه پسته، خرما و مرکبات که محصولات اصلی کرمان هستند، محصولات آب بری هستند و باغداران آنها به راحتی نمی توانند الگوی کشت خود را تغییر دهند در حالی که در زراعت، تغییر الگوی کشت، ساده است و مثلاً می توان زعفران را به سادگی جایگزین ذرت در زمین زراعی کرد.

وی ادامه داد: البته در این بین سوء استفاده هایی می شود و شماری از

کشاورزان در تلاشند به هر قیمت شده چه با روش های قانونی و اخلاقی و یا غیر از آن، آب را به دست آورند و کاری هم به این ندارند که بر منابع آب چه می آید و تنها از منظر منافع خود به مساله آب نگاه می کنند و توجهی به جنبه اجتماعی، زیست محیطی و یا بحران آب ندارند.

وی با بیان اینکه آب، کالایی است که به سادگی نمی توان آن را جابجا کرد و معمولاً انتقال آن بسیار هزینه بر است، اظهار داشت: ما معتقدیم که طبیعت یک عرضه ای در زمینه آب ایجاد می کند و این ما هستیم که باید تقاضا را با عرضه منطبق کنیم.

دکتر مهربانی تأکید کرد: بر اساس تحقیقات انجام شده، با کمک سیاست های قیمت آب می توان کشاورزان را در جهت بهینه کردن مصرف آب هدایت کرد و اجرای سیستم های آبیاری تحت فشار که از نظر فنی، بهینه باشند را هم پیش برد. این دکترای اقتصاد توسعه و سیاست کشاورزی، اصلاح شرایط تخصیص اعتبارات آبیاری تحت فشار را مورد تأکید قرار داد و گفت: بر اساس آمار رسمی حدود یک میلیارد مترمکعب بیلان منفی آب در استان داریم که این نشان می دهد باید تقاضا کنترل شود، چرا که انتقال آب برای پوشش تقاضایی در این حجم ممکن نیست و ادامه روند فعلی به تخریب غیرقابل جبران مخازن زیرزمینی و پیامدهای زیست محیطی جبران ناپذیری می انجامد.

دکتر مهربانی در مورد محاسبه نرخ آب در صنعت افزود: قطعاً ارزشی که آب در صنعت ایجاد می کند بیشتر باید باشد و البته می توان از پسماندهای آب هم استفاده کرد و سهم آب مصرفی در صنعت استان را با هدف ایجاد بازدهی بالاتر برای آب افزایش داد.

وی ادامه داد: بازار آب وقتی در منطقه ای شکل بگیرد باید خودش تعادل را ایجاد کند در شرایطی که تقاضا کنندگان مشخص هستند. اما قاعدتاً طرف عرضه آن با مالکیت های خرد و مالکیت های غیر مجاز موجود دچار چالش است.

این عضو هیات علمی دانشگاه شهیدباهنر کرمان گفت: در شرایط موجود هر چند پیاده سازی طرح هایی همچون پلیس آب و امثالهم هزینه های اجرایی زیادی دارند اما از سوی دیگر احتمال اینکه خودپلیسی و نظارت دموکراتیک بر برداشت از منابع آب هم اتفاق بیفتد بسیار پایین است چون باغدار می خواهد به هر شکل باغ خود را سر پا نگه دارد و این موارد، واقعیت های مربوط به عرضه و تقاضای آب در بخش کشاورزی است.

مهربانی در مورد تجارت مجازی آب گفت: این مفهوم در استان از سال ۸۶ و با کارهای تحقیقاتی انجام شده، توسعه یافت و تجارت مجازی آب عبارت است از آب به کار رفته برای تولید یک واحد محصول؛ به عنوان مثال برای یک تن پسته خشک حدوداً ۵ هزار مترمکعب آب و برای تولید یک تن هندوانه، حدود دو هزار مترمکعب استفاده می شود. همینطور که آب مجازی داریم، نیروی کار مجازی و زمین مجازی هم داریم.

به طور مثال در تعریف نیروی کار مجازی داریم ساعت کار نهفته در یک واحد محصول. یک نکته ای که باید به آن توجه کرد از آنجایی که ما وارد کننده برخی محصولات کشاورزی هستیم به نوعی واردکننده آب مجازی هم محسوب می شویم که این خوب است اما در مقابل کار و زمین مجازی هم وارد می کنیم و چون در این موارد مازاد نیروی کار داریم چندان مطلوب نیست.

وی در پایان تصریح کرد: از زاویه آب مجازی، اگر به عنوان مثال، به موضوع صادرات پسته بپردازیم به نکات جالبی خواهیم رسید. به طور مثال در محصولی مانند پسته خشک که به ازای هر تن، حدود ۵ تا ۶ هزار مترمکعب آب مصرف می شود، اگر قیمت سایه ای آب را ۲ دلار فرض کنیم، ارزش اجتماعی هر تن پسته بدون احتساب عوامل دیگر حدود ۱۰ هزار دلار خواهد بود و ما متأسفانه این محصول را با حدود هر تن ۱۰ هزار دلار صادر می کنیم و بسیار هم خشنودیم در حالی که این یک مساله قابل تامل است، اما از جنبه ایجاد اشتغال و معیشت هم کمک و یاری می کند. در محصولات دیگر مانند هندوانه، خرما و مرکبات عمق فاجعه احتمالاً بیشتر است زیرا در واقع ما، آب را باقیمت پایین تر هم صادر می کنیم.